



تردید نکنید حرف دکتر پژویان درست است، اقتصاددانان دیگری نیز این را گفته‌اند که نمونه‌اش را در ادامه سؤالتان اشاره کردید. کافی است شیوه محاسبه تورم و نماگرهای آن را بشناسیم. فرض کنید نماگر تورمی، ماهانه مدنظر باشد. یعنی هر ماه نسبت به ماه قبل. حال فرض کنید در اردیبهشت ماه، یک تکانه قیمتی در حد ۵ درصد دارید، خوب تورم ماهانه ۵ درصد است. حال فرض کنید خرداد ماه دولت عوض شود، یک رشد متداول قیمتی هم داشته باشید، مثلاً ۲ درصد در ماه. حالا دولت جدید می‌تواند بگوید من تورم را از ۵ درصد به ۲ درصد کاهش دادم. سؤال این است که آیا این کاهش تورم به تغییر دولت یا سیاست‌های وی برمی‌گردد؟ یادآوری می‌کنم روند کاهش تورم ماهانه قبل از تغییر دولت یازدهم آغاز شده بود، کافی است به نماگرهای آماری بانک مرکزی مراجعه کنید



نقش مرکز مبادله در مهار تکانه‌های ارزی

راه‌اندازی مرکز مبادله ارزی در سال ۹۱ باعث شد یک سامانه جدید برای مقابله با تکانه‌های ارزی فعال شود

کتاب

کتاب

شانس آوردیم سال ۹۲

اینکه از سوی مقامات دولت یازدهم نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۱ ابتدا ۵٫۸ درصد و سپس ۶ درصد و بعد از مدتی ۶٫۸ درصد اعلام شد یک بدعت کاملاً نادرست است. به قول دوستی، شانس آوردیم سال ۹۲ به پایان رسید، وگرنه ممکن بود رقم مذکور، همینطور پشت سرهم کاهش یافته و تغییر کند. من معتقدم آمار باید توسط مرکز آمار یا بانک مرکزی اعلام شود.

متأسفانه مقامات دولتی در دولت یازدهم در اعلام آمار نسبت به سازمان‌های رسمی آماری سبقت می‌گیرند. به هر حال طبق آمار رسمی در سال ۹۱ رشد اقتصادی ایران بدون در نظر گرفتن بخش نفت ۰٫۹ درصد اعلام شده است. اما در اثر تحریم خرید نفت، کشور موفق به فروش نفت نشده و به رغم وجود ظرفیت فنی تولیدی رشد بخش نفت به ۲۷ درصد می‌رسد.

طبق آخرین آمار بانک مرکزی در دولت یازدهم کل رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۱، ۶٫۸ درصد است. حالا من از شما سؤال می‌کنم آیا رشد ۲۷ درصدی بخش نفت ناشی از سیاستگذاری‌های اقتصادی بوده است؟ مطمئن باشید اگر تحریم‌ها اتفاق نمی‌افتاد و بخش نفت در اقتصاد ایران فقط حدود ۲٫۵ درصد بود کل رشد اقتصادی ایران نیز مثبت بود.

ارز در کشور ما، تحت تأثیر درآمدهای ارزی نفتی است، به این موضوع باید امکان نقل و انتقال و مبادله ارزی را هم افزود. درآمد ارزی نفتی ما در سال ۹۱ به دلیل تحریم نفتی حدود ۵۶ درصد کاهش پیدا کرد. به این موضوع باید تحریم بانک مرکزی، قطع روابط کارگزاری‌های بانکی، غیرقابل تبدیل و انتقال و مسدود شدن ذخایر ارزی را هم اضافه کنید. سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، اوج جنگ اقتصادی علیه ما بود.

طبیعتاً فعال اقتصادی ما نیز این مسأله را درک می‌کند و تقاضایش را شتاب می‌بخشد. اما آیا کشور در سال ۹۲ دچار کاهش درآمدهای ارزی آن هم به این شدت شد؟

شوکهایی که در بازار ارز رخ داد است که آیا این کاهش تورم به تغییر دولت یا سیاست‌های وی برمی‌گردد؟ یادآوری می‌کنم روند کاهش تورم ماهانه قبل از تغییر دولت یازدهم آغاز شده بود، کافی است به نماگرهای آماری بانک مرکزی مراجعه کنید.

■ ثبات نسبی قیمت ارز در دولت روحانی از جمله مواردی است که مورد افتخار یاران وی محسوب می‌شود. سؤال این است، چرا با آغاز مدیریت دولت یازدهم، نرخ ارز ثبات پیدا کرد و در محدوده ۳۰۰۰ تا ۳۷۰۰ تومان در نوسان بود. به نظرتان این ثبات نسبی ناشی از چیست؟

من از شما سؤال می‌کنم، از سال ۱۳۸۴ که آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور شد تا سال ۱۳۸۹ نرخ ارز چقدر بود؟ آیا در این سال‌ها ثبات نرخ ارز وجود نداشت؟ شما بررسی کنید زمانی که دکتر جلیلی برای دور اول مذاکرات به استانبول رفت نرخ ارز چقدر کاهش یافت. این اثر انتظاری بود. البته در کل، متغیر نرخ

به ۲ درصد کاهش دادم. سؤال این است که آیا این کاهش تورم به تغییر دولت یا سیاست‌های وی برمی‌گردد؟ یادآوری می‌کنم روند کاهش تورم ماهانه قبل از تغییر دولت یازدهم آغاز شده بود، کافی است به نماگرهای آماری بانک مرکزی مراجعه کنید.

نداشت. دولت اساساً تورم را مهار نکرده و با توجه به کاهش قدرت خرید مردم، تورم باید پایین می‌آمد.

تردید نکنید حرف دکتر پژویان درست است، اقتصاددانان دیگری نیز این را گفته‌اند که نمونه‌اش را در ادامه سؤالتان اشاره کردید. کافی است شیوه محاسبه تورم و نماگرهای آن را بشناسیم. فرض کنید نماگر تورمی، ماهانه مدنظر باشد. یعنی هر ماه نسبت به ماه قبل. حال فرض کنید در اردیبهشت ماه، یک تکانه قیمتی در حد ۵ درصد دارید، خوب تورم ماهانه ۵ درصد است. حال فرض کنید خرداد ماه دولت عوض شود، یک رشد متداول قیمتی هم داشته باشید، مثلاً ۲ درصد در ماه. حالا دولت جدید می‌تواند بگوید من تورم را از ۵ درصد

تاکنون بخش‌هایی از جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران به قلم مهدی و میثم مهرپور، پیرامون مباحث اقتصادی دولت‌های نهم و دهم بررسی و منتشر شده است. سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت محمود احمدی‌نژاد در این کتاب برخی مسائل مهم و تحولات اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۲ را مطرح و تشریح کرد. در شماره امروز نیز حسینی به برخی ابهامات پیش آمده درباره عملکرد اقتصادی دولت وقت پاسخ گفته است.

اقتصاددان می‌گوید: هر دولتی به جای دولت یازدهم روی کار می‌آمد تورم کاهش می‌یافت. چون کشور در برهه‌ای شاهد جهش تورمی بود و نرخ ارز نیز افزایش داشت، بنابراین حتی اگر دولت احمدی‌نژاد هم ادامه داشت تورم روند نزولی به خود می‌گرفت. یا مثلاً حجت‌الله عبدالملکی اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق درباره این دستاورد دولت روحانی می‌گوید: دولت‌مردان ادعا می‌کنند که تورم را مهار کرده‌اند در حالی که نرخ تورم در سال ۹۲ به حد نهایت خود رسیده بود و دیگر بیشتر از این بالا نمی‌رفت و اصولاً امکان افزایش تورم بیش از این وجود

■ طبیب‌نیا وزیر اقتصاد حسن روحانی می‌گوید: «وقتی دولت را از احمدی‌نژاد تحویل گرفتیم نرخ تورم ۴۵ درصد بود. وی بابت تورم افسارگسیخته‌ای که از دولت احمدی‌نژاد به ارث رسیده به شدت گلایه کرده و معتقد است کاهش تورم از ۴۵ درصد به محدوده ۱۰ درصد توسط دولت روحانی کار بسیار بزرگی بوده و یکی از بزرگترین افتخارات دولت یازدهم محسوب می‌شود. اما نظرات درباره مهم‌ترین دستاورد دولت یازدهم مقادری متفاوت است. برخی از اقتصاددانان بر این باورند که اگر حسن روحانی هم رئیس‌جمهور نمی‌شد تورم کاهش پیدا می‌کرد. به عنوان نمونه جمشید پژویان،